

شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های مؤثر بر روابط بین کارفرما و پیمانکار در پروژه‌های عمرانی به‌منظور ارتقا مدیریت ذینفعان

سیدامیرحسین حسینی^۱، مهدی روانشادنی^۲، حسن جوانشیر*

۱- مهندسی مدیریت و ساخت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران civil_amirhosein@yahoo.com

۲- دانشیار مهندسی مدیریت و ساخت، عضو هیئت علمی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- استادیار مهندسی صنایع، عضو هیئت علمی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر روابط بین کارفرما و پیمانکار در پروژه‌های عمرانی به‌منظور کاهش زمان و هزینه و افزایش کیفیت پروژه بوده است. کارکنان و مدیران پروژه‌های عمرانی شهرداری تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است؛ که با استفاده از روش کوکران ۲۱۷ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شد. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت نرمال بودن متغیرها، از تحلیل عاملی اکتشافی به‌منظور شناسایی عوامل مؤثر بر روابط بین کارفرما و پیمانکار در پروژه‌های عمرانی به‌منظور کاهش زمان و هزینه و افزایش کیفیت پروژه، از آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی عوامل به عنوان عوامل مؤثر بر روابط بین کارفرما و پیمانکار در پروژه‌های عمرانی و در نهایت از تکنیک TOPSIS برای اولویت‌بندی معیارها استفاده گردید. با استفاده از نتایج تحلیل عاملی اکتشافی ۵ عامل به عنوان عوامل مؤثر بر روابط بین کارفرما و پیمانکار در پروژه‌های عمرانی شناسایی شد. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای نیز نشان داد ۵ عامل (عوامل کیفی و محتوایی، عوامل فردی، عوامل محیطی، عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات، عوامل پیش زمینه) به عنوان عوامل مؤثر بر روابط بین کارفرما و پیمانکار در پروژه‌های عمرانی می‌باشند. نتایج اولویت‌بندی با TOPSIS نشان داد که از بین عوامل مؤثر، عوامل کیفی و محتوایی رتبه اول، عوامل فردی رتبه دوم، عوامل محیطی رتبه سوم، عوامل فناوری اطلاعات و ارتباطات رتبه چهارم و عوامل پیش زمینه رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است. در پایان نیز به بحث و نتیجه‌گیری پیرامون یافته‌های تحقیق پرداخته شده است و در انتها محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهشی ذکر گردیده است.

واژه‌های کلیدی: اولویت‌بندی، کارفرما، مدیریت ذینفعان پیمانکار، پروژه‌های عمرانی

۱- مقدمه

یکی از فعالیت‌های کشورهای در حال توسعه برای ساخت زیربنای اقتصادی خود، اجرای طرح‌های عمرانی زیر بنایی است که سالانه بخش عمده‌ای از بودجه کشور را به خود اختصاص می‌دهد و لذا برنامه‌ریزی اصولی در خصوص این طرح‌ها از ملزومات و ضروریات بوده تا بتوان کمترین نسبت هزینه به بهره‌وری را از آن استحصال نمود. هرساله بخش عظیمی از اعتبارات و منابع مالی کشور، صرف سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ عمرانی و زیر بنایی می‌شود. مهم‌ترین شاخص موفقیت این پروژه‌ها علاوه بر دستیابی به اهداف موردنظر و مقرون به صرفه بودن، اتمام آن در زمان پیش‌بینی شده می‌باشد. تأخیر در پروژه‌های عمرانی به دلیل پیچیدگی خاص آن‌ها امری غیرقابل انکار است، به طوری که مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که اغلب پروژه‌های ساخت در دنیا با حدود بیش از ۵۰ درصد افزایش زمان مواجه می‌شوند. تأخیر در پیشرفت کار، علاوه بر آن که